

# مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۱۳ در حيفا: درباره ترقیات امر مبارک و مستقبل پر شکوه ایران

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۱۳ در حيفا: درباره ترقیات امر مبارک و مستقبل پر شکوه ایران<sup>1</sup>

(خطابات جلد سوم، ص. ۷۲-۷۳) و (خطابات جلد سوم، ص. ۸۳)

هو الله

خوش آمدید، صفا آوردید. گفتم احبا را دو قسمت کنیم، و لکن باز جا کم است. اللهم زد هم و بارک. بعضی وقتها در اروپا و امریکا شوخی می کردم، چون می دیدم یک قدری سرگردان بودند و می گفتند این امر چطور ترقی خواهد کرد، این ریش سفیدهای ایرانی این خیالات را می کردند. می دانستم که اینها می گویند دنیا دنیای دیگر شده است، آن زمانی که دین نفوذ داشته باشد گذشته است، لهذا در بین صحبت، بیاناتی می کردم. وقتی که مسیح را بر صلیب زدند، دوازده نفر شاگرد داشت، یکی او را سه دفعه انکار کرد و دیگری به جهت دراهم معدوده او را فروخت. با وجود این، حالا ببینید که چه اهمیتی پیدا کرده است. اما جمال مبارک در وقت صعود اقلای یک کرور نفوس بودند که جان خود را فدای او می کردند. این فکرها که شما دارید، در همان اوقات بود، حتی به درجه ای به حضرت مسیح اهمیت نمی دادند که معلوم نیست کجا او را دفن کرده اند. اینقدر بی اعتنائی بوده. بعد از سیصد سال (سنت هلنا) رفت به ارض مقدس و

<sup>1</sup> نطق مبارک در حيفا ۲۴ محرم ۱۳۳۲



ORIGINAL



AUDIO

بعضی نفوس به جهت منافع شخصیّه آمدند پیش او که ما اینجا را کنسیم و صلیبی که حضرت مسیح را بدار زدند پیدا کردیم. این بود اساس قبر مسیح حتی قبر مریم و حواریون، هیچ معلوم نیست؛ حضرات کاتولیک ها می گویند که قبر پولس و پطرس در روماست و ارتودکسها می گویند که در انطاکیه است. به درجه ای بی اهمیت بود که یکی از فلاسفه آن زمان که کتابی بر ضدّ مسیح نوشته است، می گوید که این شخص مسیح ابداً وجود نداشته و همچنین آدمی نبوده است، این را پطرس و بولس درست کرده اند، یک شخصی از مجرمین را در اورشلیم به دار زدند، بعد اینها به جهت منافع خود، او را مسیح کردند. الحمد لله در ایام جمال مبارک، امرش در آفاق شهرت یافت و جمیع آثار حتی احبای او ظاهر و هویدا است.

ایرانیان می گفتند که ایران چه خواهد شد؟ من گفتم این تفصیلی که الان در میان است اسباب دمار است، این اختلافات، این احزاب مختلفه، یکی دموکرات و یکی معتدل، اینها روز به روز ایران را ویران می کنند. شما قیاس کنید حالت حالیه ایران با ده سال قبل. این اختلافات ایران را ویران کرده است و روز به روز بیشتر می شود. می گفتند مستقبل چه نوع است؟ گفتم مستقبل ایران را به یک مثل از برای شما می گویم، بعد خودتان قیاس کنید. این دلیل کافی وافی است. این مکه یک قطعه سنگستان است، وادی غیر ذی زرع، است ابداً گجاهی در آن نمی روید. آن صحرا صحرای شن زار است و در نهایت گرما. قابل این که آباد شود نیست، از سنگستان و شن زار بی آب چه خواهد روئید؟ لیکن به جهت این که وطن حضرت رسول بود، این سنگستان این سنگلاخ قبله آفاق شد، جمیع آفاق رو به او سجده می کنند. دیگر از این بفهمید که مستقبل ایران چه خواهد شد، این نمونه ایست. این سنگلاخ به جهت اینکه وطن حضرت رسول بود، قبله آفاق شد، اما ایران که سبز است خرم است، گلهای خوب دارد، هوایش لطیف است مائش عذب است، از این قیاس کنید که چه خواهد شد، این میزان کافی است.

